

در جستجوی مسیر نا کجا آباد!!!



دکتر، رحمت الله حیدر پور

سرشناسه	: حیدرپور، رحمت‌الله، ۱۳۲۹ - Heidarpour, Rahmatollah
عنوان و نام پدیدآور	: در جستجوی مسیر ناکجا آباد : بازگشت به خویشتن / رحمت‌الله حیدرپور.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات صداقت، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۴ ص: مصور (بخشی رنگی).
شابک	: 978-600-7694-42-8
وضعیت	فهرست : فیبا
نویسی	
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: بازگشت به خویشتن.
موضوع	: انسان -- آفرینش
موضوع	: Human beings -- *Creation
موضوع	: انسان (فلسفه)
موضوع	: Personalism
رده بند	نگره ۱۳۹۷/۴۵۴ ج BL۲۲۷
رده بند دیوید	: ۲۱۳
شماره کتابشناسی	: ۵۳۱۶۵۲
قیمت	: ریال

سرشناسه: حیدرپور، رحمت‌الله، ۱۳۲۹ - Heidarpour, Rahmatollah

عنوان: در جستجوی مسیر ناکجا آباد!! (بازگشت به خویشتن)

مؤلف: رحمت‌الله، حیدرپور

مشخصات: اصفهان، نشر صداقت ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۹۴-۴۲-۸

ویراستار: مهندس صدیقه پورفرزانه

طراح جلد: فاطمه قبادی

قیمت: ۵۰۰ تومان

تاریخ نشر: بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

شماره تلفن همراه: ۰۹۱۳۱۶۶۳۲۸۳

پست الکترونیکی: heidarpour.rahmat@gmail.com

فهرست مطالب

۱۱.....	پیش نگاهشت.....
۱۵.....	مقدمه.....
۱۹.....	فصل اول.....
۱۹.....	فراز هایی از هدف خلقت انسان.....
۲۱.....	مقدمه.....
۲۳.....	هدف خلقت انسان.....
۲۵.....	الف: هدف آفرینش از دیدگاه عقل.....
۲۶.....	ب: هدف آفرینش در قرآن.....
۲۹.....	سهم حواس پنجگانه در شناخت انسان.....
۳۴.....	خودشناسی به معنای خداشناسی.....
۳۶.....	طبیعت شناسی به معناي خودشناسی.....
۴۴.....	دل نوشته ای، در باره طبیعت.....
۴۶.....	راز سفر به کجا؟ به اعماق وجود، بایدت!!.....
۵۴.....	آغاز خاطرات سفر به درون خود.....
۵۶.....	در باره چه چیزی بنویسیم؟.....
۵۸.....	آرامش درون.....
۵۹.....	تفاوت بین آرامش و آسایش در چیست؟.....
۶۰.....	قوز بالا قوز تکنولوژی (حذف هویت).....
۶۷.....	پی آمد.....
۷۰.....	مراتب عبودیت انسان.....
۷۲.....	ویژگی های انسان.....
۷۲.....	روح انسان.....

۷۳	آگاهی و تقوای انسان
۷۴	اختیار و انتخاب انسان
۷۴	انسان صاحب عقل و اندیشه
۷۵	ارتقا انسان به کمال حقیقی
۷۵	هدف نهایی انسان
۷۶	هدف از بعثت انبیا
۷۷	شک‌ناپی استعداد های بالقوه انسان
۷۷	افرینش گی انسان
۷۹	سرشت اولیه و ثانویه انسان
۸۱	خودشناسی انسان
۸۳	پاسخگویی انسان بر معجزه الهی
۸۵	عدم موفقیت انسان در دنیا
۸۶	تفاوت های فردی «خود»
۸۶	ناآگاهی و بی اختیاری انسان
۸۷	سخت کوشی و تلاش انسان
۸۸	بازگشت انسان به خویشتن
۸۹	فطری بودن انسان
۹۰	مجهز شدن انسان به تقوا
۹۰	بینش توحیدی انسان به جهان
۹۲	حیات حیوانی انسان
۹۲	آشتی با طبیعت (آشتی با خود)
۹۹	فصل دوم
۱۰۱	مقدمه

۱۰۳..... نفس

۱۰۵..... ویژگی های نفس اماره

۱۰۸..... ۲. نفس لواحه

۱۰۹..... ۳. نفس مطمئنه:

۱۰۹..... ۴- نفس ملهّمه

۱۱۰..... دش های غلبه بر هوای نفس

۱۱۴..... رویارویی با شهوت

۱۱۵..... طغیان غریبه شهوت

۱۱۶..... پی آمد های طغیان پیروی از شهوات

۱۲۰..... کنترل غرائز نفسانی

۱۲۳..... فصل سوم

۱۲۳..... فراز هایی از پله های خودسازی

۱۲۵..... مقدمه

۱۳۱..... خود با خود:

۱۳۸..... ۲- خود با خدا

۱۴۱..... ۳- خود با مخلوق خدا ، و بالعکس

۱۴۵..... مراحل خودسازی

۱۴۶..... تهذیب نفس

۱۴۷..... اصلاح و تهذیب نفس

۱۴۹..... تهذیب و تزکیه

۱۵۰..... اهمیت تهذیب نفس

۱۵۱..... زمان آغاز تهذیب نفس

۱۵۴..... عوامل موثر در تهذیب نفس

۱۶۱.....	آثار تهذیب نفس
۱۶۳.....	مفهوم شیطان
۱۶۴.....	دروغ شیطان صفت
۱۶۴.....	تاریخچه شیطان
۱۶۶.....	ویژگی های ابلیس
۱۶۹.....	ناظره خدا و شیطان
۱۷۲.....	چرا خداوند شیطان را آفرید؟
۱۷۴.....	کمین گاه های شیطان
۱۷۸.....	دام های شیطان
۱۸۱.....	راه های در روزه شیطان
۱۸۵.....	راه های نفوذ شیطان در اجتماع
۱۹۰.....	شیطان پرستی
۱۹۴.....	غفلت انسان
۱۹۵.....	انواع غفلت
۱۹۶.....	جهل مرکب (شیطان محور)
۱۹۷.....	چهار کلاه مخفی شیطان
۲۰۴.....	پی آمد
۲۰۵.....	فصل چهارم
۲۰۵.....	فراز هایی از خود سازی جسمانی
۲۱۰.....	ورزش:
۲۱۱.....	تأثیرات سیر و سفر در روان و دگر شناسی انسان
۲۱۲.....	مقدمه
۲۱۲.....	سیرو سفر:



۲۱۹	فراز هائی از قوانین خودسازی
۲۱۹	قانون وفای بعهد
۲۲۰	قانون جذب
۲۲۰	قانون انگیزه
۲۲۱	قانون انتظار
۲۲۲	قانون تمرکز
۲۲۲	قانون عادت
۲۲۴	قانون انتخاب
۲۲۴	قانون تدریس
۲۲۵	قانون تغییر
۲۲۶	قانون کنترل
۲۲۶	قانون مسؤولیت
۲۲۷	قانون پاداش
۲۲۹	قانون علت و معلول
۲۳۰	قانون عینیت یافتن ذهنیات
۲۳۱	قانون جبران
۲۳۱	قانون رابطه مستقیم
۲۳۱	قانون باورها
۲۳۲	قانون ارزش ها
۲۳۲	قانون تأثیر تلاش
۲۳۳	قانون آمادگی
۲۳۳	قانون حد توانایی
۲۳۳	قانون تصمیم

۲۳۴.....	قانون استقامت.....
۲۳۵.....	قانون صداقت.....
۲۳۵.....	قانون انعطاف پذیری.....
۲۳۶.....	قانون خوشبختی.....
۲۳۷.....	قانون تعجیل.....
۲۳۷.....	قانون فرصت.....
۲۳۸.....	قانون خود شکوفائی.....
۲۳۹.....	قانون بخشش.....
۲۳۹.....	قانون موقعیت سنجی.....
۲۴۰.....	قانون مثلث دوستی.....
۲۴۲.....	قوانین و بدعت های غلامی و فرهنگ در جامعه.....
۲۴۷.....	Abstract.....
۲۵۲.....	منابع اینترنتی.....

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد

و آنچه خود داشت زیگانه طلب می کرد

(حافظ)

پیش نگاشت

نگونگی بهره برداری و استفاده از امور فطری بودن انسان، مشخص کننده سیر حرکت وی به سوی کمال مطلوب یا سقوط و انحطاط او خواهد بود. روح انسان حقیقتی است غیرمادی که مانند هر موجود مجردی دارای سه بُعد علم و آگاهی، قدرت و محبت می باشد.

این علم و آگاهی که به صورت ناخودآگاه در هر انسانی وجود دارد، در کنار گرایشات فطری است که می توان از همه آنها با عنوان گرایش فطری به سوی کمال مطابقت با نیاز و بیزاری از نقص و کاستی ها نام برد، منبع و منشأ ارتباط انسان با گشت وی به خویشتن می باشد. آنچه که، موجب فرق انسان با حیوان است، هویت انسانی اوست. که بسیاری از آدم ها بطور اسف بار بوجه عصر بیست و یکم، هویت انسانی خود را از دست داده اند و تنها ظاهر و شمایلشان شباهت آدمی دارد و قیافه آنان است که با حیوانات تفاوت است بنابراین چنانچه زندگان مرده و مردگان بیدار، حی و میت را معنای لغوی به زنده و مرده اطلاق می شود، اما در نگاه اهل معرفت مرده و میت به چیزی گفته می شود، که مانند آدم نما ها منشأ خواص و آثار نباشد.

در اینصورت حیّ و زنده واقعی انسانی است که منشأ خواص و آثار و عارف به خداوند متعال و صاحب بصیرت باشد (گروه دین و اندیشه)

دنیای که تمایلات نفسانی، متوجه اوست، مجموعه‌ای از «عناوین اعتباری و انتزاعی است» که انسان تبه‌کار و مفسد را به خود سرگرم و مشغول می‌نماید خود خواهی و منیت هاست که دنیا رویائی را شکل داده است و روایت حضرت رسول (ص) که فرموده اند: «حب الدنيا اس الا حطیئة» در اثر غفلت و بی‌هویتی و دوست داشتن دنیا در راه آداب و ادب‌های بدون تعهد و خود خواه مصداق پیدا کرده است. و گرنه شه به آمان یا زمین بروید، دنیا را پیدا نمی‌کنید؛ زیرا همه این‌ها تیات بهی هستند؛ موجوداتی که تسبیح‌گوی حق اند و مستقیماً برای محاسن ذاتی و بحان و به طور غیرمستقیم برای نفع ما خلق شده‌اند.

یکی از علت‌های عمده این بی‌هویتی انسان غفلت، نادانی و سهل انگاری او می‌باشد، که در اثر شرایط رفت و آمد و شأن و مقام خدا گونه خود را نمی‌خواهد بشناسد و خود را در لایزال و رنگ‌های متنوع فریبنده دنیا گم کرده است. و دنیا را مقهور خود ساخته است و حتی شاید یک لحظه هم به عبارت «از کجا آمده‌ام، آمدم بهر چه بود» فکر و اندیشه نمی‌کند.

بنابراین با این وجود آدم نما ی بی‌هویت از مسیر سمت و سوی رسیدن به قرب الهی لایتنهای منحرف شده است، و در بیابان برهوت،

و پر از سنگلاخ و خار مغیلان یتناهی و محدود در جستجوی آبادی
 سراب نما، در بیابانی مملو از شک و شبه و تهی از آب و سبزه بنام
 «ناکجا آباد» سرگردان است، در صورتی که اگر به درون خودش عمیقاً
 بنگرد، و خود را دریابد به نتیجه می‌رسد که، علیرغم اینکه در گشت
 و گذر در دنیای برونی هیچ جا که آباد نبود خراب هم بود، ولی
 فریبندگی‌های زیادی را نیز بدنبال داشت لیکن با تکیه به عقل،
 ایمان، تجربه و علم در می‌یابد که، همه آبادی‌ها و سرسبزی‌های
 دنیوی و آخری سرشار از بوی و عطر بهشتی در معدن وجود
 خودش یکجا وجود دارند و خودنمایی می‌کنند و از اینرو همه، هستی
 آفرین را در آئینه تمام نمای وجود خودش احساس می‌کند، یافتنی
 هائی که انعکاس تصویر صورت خدای را در مرکز کانون بالا ترین
 آئینه زیبایی‌ها و مهربانی‌ها به عنای واقعی و در قالب (یا من اظهر
 الجمیل و ستر القبیح) رویت می‌کند، آن وقت است که خدا در
 دنیا بر او رحمت می‌فرستد و در آخرت او را جمیل و زیبا می
 گرداند و با هزار پرده در دنیا و آخرت گناهان و زشتی‌های او را ستار
 العیوب است.

با توجه به مراتب فوق شعر پر مغز شاعر شیرین زبان جناب اشعاج
 جهت باز گشت به خویشتن و «خانه دل حقیقی»، پس از عبور از
 بن‌بست‌ها و کوچه‌های پر پیچ و خم منازل خالی دنیوی می‌گذرد و
 سرانجام با سخت کوشی و ممارست و غریبانه گشتن به خانه دل

می‌رسد و طلب زرو گنج، از کنج غم آباد دنیا از خدا می‌نماید در
 این هنگام با حضرت حافظ هم صدا می‌شود، چرا که وقتی حافظ
 شراب سرخ رنگ را می‌نوشد و مست و مدهوش می‌شود، و پوچی
 و تهیدستی خود را در برابر خدا احساس می‌کند و بدون داشتن زرو
 و گنج، دوصد چندان قارونی را با عشق و محبت به خالق عوض
 می‌کند و می‌فرماید:

ای دل آن دم که خراب از می گلگون باشی
 زرو و گنج به صدحشمت قارون باشی
 بهتاج ز دنیا را مانند خانه ویرانه و کنج غم آباد و بدون آبادانی
 تشبیه کرده با گشت به خویشتن را پیشنهاد می‌کند.
 بگردید بگردید، درین خانه بگردید
 درین خانه بگردید، غم‌بانه بگردید
 نفس دوست به من آورد و چه خوشبوست
 همین جاست، همین جاست همه خانه بگردید
 بر آن عقل بختید که عشقش نیست
 در این حلقه ی زنجیر چو دیوانه بگردید
 درین کنج غم آباد نشانش نتوان داد
 اگر طالب گنجید به ویرانه بگردید
 (ابتهاج هوشنگ)

دکتر رحمت الله حیدرپور